

## تنها با مبارزه‌ی جمعی می‌توان نژادپرستی در ایالات متحد را از بین برد

تحریریه‌ی نشریه‌ی Socialist Worker (آگوست ۲۰۱۴)

ترجمه‌ی احسان پورخیری

با وجود این که رئیس‌جمهور و دادستان کل ایالات متحد سیاه‌پوست‌اند، اما دولت آمریکا عمیقاً نژادپرست است.

سیاه‌پوستان بدون سلاح همچون *مایکل براون*<sup>۱</sup> یا *ترایون مارتین*<sup>۲</sup> هنوز هم با گلوله کشته می‌شوند. هنوز سیاه‌پوستان هدف نیروهای انتظامی نژادپرست هستند.

آن‌ها برای زندانی شدن و زندگی در فقر مناسب‌تر از سفیدپوستان هستند.

جنبش حقوق مدنی کار خود را در آمریکا با یک طبقه‌ی متوسط سیاه‌پوست بزرگ با قدرتی نسبی به پایان رسانید.

اما وضعیت کارگران عادی سیاه‌پوست از بسیاری جهات نسبت به دهه‌های گذشته به مراتب بدتر است.

ریچارد نیکسون رئیس‌جمهور دست‌راستی جمهوری‌خواه، گفته بود که از «جنبش سیاهان» حمایت خواهد کرد. او از پول [دولت] فدرال در جهت کمک به سیاه‌پوستان برای دستیابی به برخی شغل‌ها، از جمله فرماندهی پلیس و ارتش استفاده کرد.

نیکسون این کار را کرد، چرا که او و هم‌طبقه‌ای‌هایش از یک جنبش جمعی به وحشت افتاده بودند.

حاکمان ایالات متحد در پی بستن دهان رهبر جنبش بودند.

به همین دلیل است که پرزیدنت *باراک اوباما* در بحران اخیر تا این حد ناتوان و نالایق ظاهر شده است؛ هم‌او که به عنوان یک وکیل و حقوقدان بنا بود با بی‌عدالتی به مبارزه برخیزد.

در سال ۲۰۰۸ بسیاری از مردم به *اوباما* رأی دادند، زیرا گمان می‌کردند که او می‌تواند اوضاع را تغییر دهد. این مردم [حتی] با وی موافق بودند، وقتی که پس از تیراندازی به *مایکل براون* گفت:

«جوانان رنگین‌پوست در بسیاری از مناطق این کشور نادیده گرفته شده و مایه‌ی ترس و دردسر تلقی می‌شوند».

1. Michael Brown

2. Trayvon Martin

3. Black Power

اما *اوباما*، برخلاف *مارتین لوتر کینگ* یا *مالکوم ایکس*، از دل یک جنبش جمعی رادیکال برنخاسته است؛ بلکه از از پله‌های همین نظام موجود بالا آمده، و بنا ندارد با آن به مبارزه برخیزد.

او در پایان پاسخی [از موضع] دستگاه حاکم نیز داد و گفت: «هیچ‌گاه برای خشونت علیه پلیس بهانه‌ای وجود نخواهد داشت، یا برای آنانی که از این تراژدی به عنوان پوششی برای خرابکاری یا غارت استفاده می‌کنند».

طبقه‌ی حاکم در ایالات متحده در سیاست «تفرقه بیانداز و حکومت کن» مهارت دارد.

هرچه بیشتر بتوانند سیاه‌پوستان را علیه اسپانیایی‌ها یا مهاجران کره‌ای برانگیزند، کمتر نگران مبارزات متمرکز کارگران خواهند بود.

سیاه‌پوستان در ایالات متحد طی ۴۰ سال گذشته بیشترین رنج‌ها را متحمل شده‌اند، اما وضع تمامی کارگران به نسبت بسیار وخیم‌تر است.

در دهه‌ی ۱۹۵۰ و اوایل دهه‌ی ۱۹۶۰ [ایجاد] وحشت عمومی از خطر کمونیسم توسط [برنامه‌ی] مک‌کارتیسم چپ را به حاشیه راند.

پرزیدنت *آیزنهاور* و *جان اف. کندی* با شرمساری مجبور به وضع قوانینی شدند تا به قوانین آپارتاید و تبعیض نژادی<sup>۴</sup> در جنوب آمریکا پایان بخشند.

آنان مدعی بودند که رهبران «جهان آزاد» هستند؛ و این در حالی بود که اخبار روزنامه‌ها نشان می‌داد که چگونه فعالینی که خواهان حق تحصیل یا برابری بودند، مضروب و لت‌وپار می‌شدند.

دولت ایالات متحد همواره برتری‌اش را نسبت به «دولت‌های درمانده» و ایدئولوژی‌های «عقب‌افتاده» به رخ کشیده است. [اما] یک‌بار دیگر [هم] به خاطر ریاکاری خودش شرمنده شده است.

آنچه نیاز داریم، جنبشی است که بتواند این [سیستم] را مجبور به تغییر بکند.

#### 4. Jim Crow apartheid segregation in the US South segregation:

قوانین **جیم کرو** قوانینی ایالتی و محلی بودند که بین ۱۸۷۶ و ۱۹۶۵ در ایالات متحده به تصویب رسیدند. آنان به طور رسمی (دوژور) دستور جداسازی نژادی در همه‌ی تأسیسات عمومی ایالات جنوبی مؤلفه‌ی سابق را با وضعیت «جدا ولی مساوی» برای سیاهان آمریکا، از ۱۸۹۰ به بعد صادر می‌کردند. جدایی در عمل شرایطی برای سیاهان آمریکا ایجاد کرد که وضع آنان از سفیدهای آمریکایی پایین‌تر باشد، که این امر برای آن‌ها ضررهای اقتصادی، آموزشی و اجتماعی در پی داشت. جدایی نژادی رسمی بیشتر به جنوب ایالات متحده اعمال شد. جدایی نژادی شمال عموماً غیررسمی (دو فاکتو) بود و الگوهای جدایی در مسکن از طریق توافقات، ام‌ورق‌رض دادن بانکی و تبعیض شغلی از جمله اعمال اتحادیه‌ای تبعیض‌آمیز به مدت دهه‌ها اعمال می‌شد. برخی نمونه‌های قوانین جیم کرو جداسازی نژادی مدارس دولتی، اماکن عمومی و حمل و نقل عمومی، و جداسازی نژادی دستشویی‌ها، رستوران‌ها و آبخوری‌ها برای سفیدها و سیاهان بود. ارتش ایالات متحده هم جداسازی شده بود. [برگرفته از [مدخل فارسی در ویکی‌پدیا](#)]

\* \* \*

**یادداشت مترجم:**

نژادپرستی از جمله مسائلی است که در وضعیت ما (با توجه به وضعیت کردها، بلوچها، ترکها و سایر ملیت‌ها و قومیت‌ها) می‌تواند محل تأمل باشد. اما تأمل در این مسئله به متون نظری‌ای نیاز دارد تا بتوان به میانجی آن‌ها این مسئله را در پرتو وضعیت خودمان بازاندیشی کرد. مترجم این یادداشت کوتاه، به همراهی جمعی از رفقا، مشغول ترجمه‌ی مجموعه مقالاتی از امانوئل والرشتاین، اتین بالیبار و ... درباره‌ی ناسیونالیسم، نژادپرستی و طبقه هستند. پیش‌تر، یکی از مقالات این مجموعه، که امیدواریم در آینده‌ای نزدیک منتشر شود، در سایت *نقد اقتصاد سیاسی* منتشر شده است:

[تنش‌های ایدئولوژیک سرمایه‌داری، امانوئل والرشتاین، ترجمه‌ی احسان پورخیری و هیمن برین، بهار ۱۳۹۳.](#)

\* \* \*

**منبع:****Only mass struggle can beat U.S. racism**

By: Socialist Worker, 19 Aug. 2014